

تأملی در مفهوم تصاویر آینده به مثابه ساخت هویت اجتماعی^۱

* محسن طاهری دمنه

** علی اصغر پورعزت

*** محمد مهدی ذوالفقارزاده

E-mail: mtdemne@gmail.com

E-mail: pourezzat@ut.ac.ir

E-mail: zolfaghar@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۸

چکیده

این نوشتار، براساس تفسیری نظرورزانه مترصد پاسخ به این سؤال است که آیا تصاویر آینده می‌توانند هویت‌ساز باشند؟ به لحاظ استعاری، جان مایه کلام، اشاره به مقصد مشترک مسافران یک وسیله نقلیه، به جای تأکید بر همسانی مسافران آن است، جامعه‌ای که بسان یک کشتی در مسیری قرار دارد و هویتش را نه از یکسانی نژاد، زبان، مشترکات فرهنگی و تاریخی مسافرانش، بلکه از مقصد مشترک آنها می‌گیرد. هم‌چنین بحث خواهد شد که این خوانش جدید از هویت که آن را هویت مقصد نام نهاده‌ایم، در روزگار کنونی که تغییر، شاخصه ثابت آن است و دگرگونی‌های نسلی، نو به نو بر جامعه تحمیل می‌شوند، چه به لحاظ سازش با اقلیم جوامع در حال گذار، مانند جامعه ایرانی و چه به لحاظ مشارکت دادن جوانان در ساخت آن، از قابلیت انسجام‌بخشی و هویت‌آفرینی بالایی برخوردار است.

کلید واژه‌ها: هویت مقصد، ساخت اجتماعی واقعیت، آینده‌پژوهی، تصاویر آینده، انسجام.

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «بررسی تحلیلی تصاویر آینده جامعه ایرانی در ذهن جوانان تحصیل کرده کشور براساس روش تحلیل لایه‌ای علی» از دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۴ است.

* دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشگاه تهران، نویسنده مسئول

** دکتری مدیریت دولتی گرایش خط‌مشی‌گذاری عمومی دانشگاه تهران، استاد تمام دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران

*** دکتری مدیریت سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه تهران، استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

مقدمه و طرح مسأله

به زعم جامعه‌شناسان معرفت، واقعیت، ساختاری اجتماعی دارد و جامعه‌شناسی معرفت باید فراگردهایی را تحلیل کند که به این واقعیت می‌پردازند (برگر و لوکمان، ۱۳۸۳: ۴۱۱). از منظر برگر و لوکمان اعضای جامعه، ابتدا کلیت جامعه را می‌سازند و وقتی جامعه واقعیتی عینی یافت، افراد را بازپردازی می‌کند. دنیای زندگی روزمره نه تنها از جانب اعضای جامعه، در جریان ذهنی معنادار زندگی‌شان، به منزله واقعیتی مسلم فرض می‌شود، بلکه دنیایی است که به پیدایش اندیشه‌ها و اعمال آنان می‌انجامد و به اعتبار همین چیزها، واقعی انگاشته می‌شود. واقعیت زندگی روزمره، بر محور «اینجا»ی جسم و «اکنون» حضور، تنظیم و تشکیل می‌شود؛ اما واقعیت زندگی روزمره، تنها به این حضورهای بی‌واسطه محدود نمی‌شود. به این معنی که زندگی روزمره ممکن است برحسب درجات متفاوت نزدیکی و دوری (هم از لحاظ مکانی و هم از لحاظ زمانی) تجربه و دامنه آن، به پیشینیان و آیندگان کشیده شود. لذا بی‌نام و نشان بودن این سنخ‌بندی‌ها، مانع از آن نمی‌شود که به مثابه عناصری (گاه به صورتی قاطع) در واقعیت زندگی روزمره وارد شوند و زندگی نسل حاضر فدای وفاداری به پدران یا قربانی حیات بهتر فرزندان و نوادگان شود (برگر و لوکمان، ۱۳۸۷: ۳۶ و ۳۷ و ۵۳).

بدین جهت، اگر جامعه تجلی حضور همزمان واقعیت‌های عینی و ذهنی اعضای جامعه در نظر آید، حامل روایت‌هایی از گذشته و آینده آنان است که در ساخت این واقعیت نقش دارند. زندگی جمعی با نوعی شناخت از خود و دیگران همراه است که هویت نام دارد. این شناخت از خود و دیگران مملو از تصاویر گذشته، حال و آینده است. در این میان، آینده‌پژوهان مترصد کسب دانش در مورد آینده هستند. آگاهی از این‌که مردم چگونه آینده خود، جامعه، کشور و جهان‌شان را تعریف می‌کنند، و چه ارتباطی بین آینده خود و دیگر آینده‌ها متصورند. با این مقدمه، پژوهش حاضر به منزله پژوهشی میان رشته‌ای، با نگاه آینده‌پژوهانه و در قلمرو معرفت‌شناختی رئالیسم انتقادی، می‌کوشد تا ضمن برشمردن مفاهیم و ابعاد تصاویر آینده، به بررسی نظری جایگاه آنها در ساخت واقعیت اجتماعی بپردازد و برای این منظور و برای قوام بخشیدن به نظر و نتایج خود، مفهوم هویت مقصد را معرفی می‌کند. در ادامه بعد از ارائه پیشینه پژوهش، طرح سؤال و روش تحقیق، ابتدا مفهوم تصاویر آینده بررسی می‌شوند، و سپس تصاویر از منظر اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرند. وانگهی با کاوش در

نقش تصاویر آینده در هویت‌سازی، و با معرفی مفهوم هویت مقصد، در نهایت به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته خواهد شد.

پیشینه تحقیق

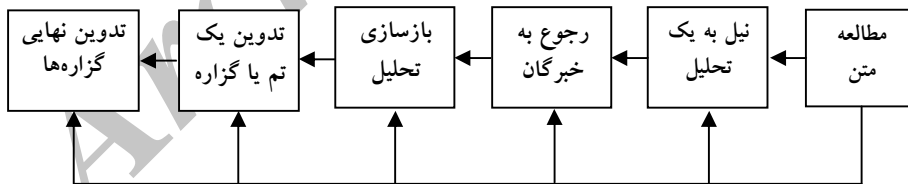
در باب کار بست صراط و مشتقات و بسامدهای آن نظیر مسیر، راه، مقصد، هدف، منزل و همراهان در یک مسیر که با عنوان «هویت» شناخته می‌شود (بنگرید: بزرگر، ۱۳۹۰: ۲۵۱-۲۶۵) و در مورد کاربست آن در هویت ملی می‌توان به مقاله بزرگر (۱۳۷۹، ۱۳۵-۱۵۷) اشاره کرد.

سؤال اصلی پژوهش

پژوهش حاضر درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که آیا تصاویر آینده می‌توانند هویت‌ساز باشند؟ به عبارت دیگر «آیا تصاویر گروه‌های انسانی از آینده‌ای مشترک، می‌تواند در آنها احساس تعلق ایجاد کند و به انسجام جمعی بیانجامد؟»

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث سنت پژوهش، کیفی، از منظر هدف کاربردی و توسعه‌ای و از جنبه ماهیت، تحلیلی - استنتاجی است. یافته‌های پژوهش با ترکیبی از روش‌های رجوع به خبرگان و تحلیل تم از فراگرد پیشنهادی زیر حاصل شده‌اند. نکته قابل ذکر آن‌که در هر کدام از مراحل شش‌گانه زیر، پژوهشگران می‌توانستند به مرحله یا مراحل قبل بازگشته و در مسیر پیش‌رو تجدید نظر کنند.



نمودار ۱: فرایند انجام پژوهش

چارچوب نظری

مفهوم تصاویر آینده

تصاویر آینده، نمایانگر نوعی آگاهی جمعی از شکل‌گیری هویت، رفتار و

تصمیم‌گیری‌ها بوده‌اند و برخی مواقع هم‌تراز با مفاهیمی چون پیش‌بینی، انتظارات، بیم‌ها و امیدها در نظر گرفته شده‌اند (سون، ۲۰۱۳: ۲).

باور به این عقیده که تصویرهای آینده به شکل‌گیری اقدام‌های تاریخی افراد کمک کرده‌اند، یک وجه نظری در مطالعات آینده است. به تعبیر روشن‌تر، افراد یا تلاش می‌کنند خود را با آنچه گمان می‌کنند روی خواهد داد، سازگار کنند یا به گونه‌ای رفتار می‌کنند که آینده دلخواه خود را بسازند. به‌زعم بل، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین پرسش‌های پژوهشی آینده‌پژوهان، مواردی این چنینی‌اند: تصویرهای آینده چه ماهیتی دارند؟ علل پیدایش آنها چیست؟ و هر یک، چه پیامدهایی دارند؟ (بل، ۱۳۹۲: ۱۷۳).

جیم دیتور در این زمینه خاطر نشان می‌سازد که «آینده‌پژوهان به تعریف و فهم تصاویر متفاوت از آینده علاقه‌مندند» به‌ویژه از این حیث که چرا گروه‌های گوناگون مردم، تصاویر متفاوتی از آینده دارند و چگونه تصاویر متفاوت از آینده، منجر به رفتار و واکنش‌های متفاوت در زمان حال می‌شود و چگونه رفتارهای خاص در زمان حال، خود منجر به ایجاد تصاویر متفاوت از آینده می‌شوند (دیتور، ۲۰۰۲: ۳۰۳).

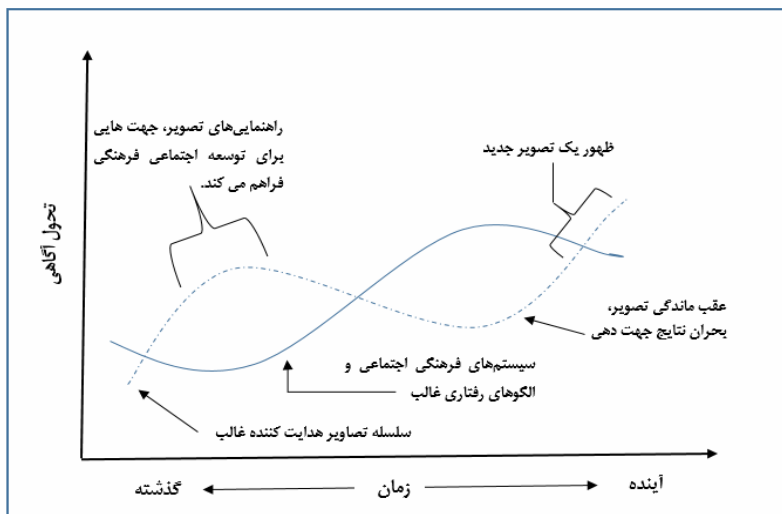
فهم آینده جزئی از نیازهای ذاتی ماست. بدون آینده‌نگری، ما قادر به اموری چون برنامه‌ریزی، تعیین مقصد و هدف، نیت کردن و خلق مفهوم جدید نخواهیم بود. نمی‌توان زندگی و فرهنگ انسان را به سادگی تنها با آنچه از گذشته به ما می‌رسد یا به عبارتی فشار گذشته، توصیف و تشریح کرد؛ زیرا زیست انسانی ما عمیقاً تحت تأثیر کشش آینده نیز هست. کارل پوپر، این مسأله را این‌گونه روشن می‌سازد:

«آینده مانند یک وعده، یک وسوسه یا یک فریب، در واقع در تمام لحظات حاضر است. جهان قدیم یا به عبارتی جهان گذشته، حامل سازوکاری علی است که همه ریشه در گذشته دارند؛ گذشته‌ای که ما را جلو می‌راند تا به آینده برسیم؛ گذشته‌ای که از بین رفته است و دیگر برای جهان پر از عدم قطعیت ما کافی نیست؛ پس این فقط فشار گذشته نیست که ما را پیش می‌برد، بلکه جذبه و وسوسه آینده و امکانات جذاب آن نیز ما را مسحور کرده، به سوی خود می‌کشد. این در واقع همان چیزی است که زندگی را زنده و رو به حرکت نگه می‌دارد (اسلاتر، ۱۹۹۱: ۴۹۹). بنابر دیدگاه اسلاتر، تغییرهای اجتماعی را می‌توان به مثابه یک فراگرد «فشار - کشش» در نظر گرفت که از سوی آینده به جلو کشیده می‌شوند و با گذشته، به جلو هل داده می‌شوند. از این روی، مطالعه تغییرهای اجتماعی، از جمله مطالعه در زمینه هویت، علاوه بر تحقیق در زمینه

آنچه در گذشته رخ داده است و اثر آن بر رفتار اجتماعی، باید بر انتظار، امید و بیم‌های افراد از آینده و آنچه افراد جامعه خواهان اتفاق افتادن آن هستند نیز، نظر داشته باشد.

تصاویر آینده از منظر حیات جمعی

تصویرسازی به هیچ وجه، فعالیتی ویژه یا مستقل از فاعل انسانی نیست و در بسیاری از مشاغل خلاق، نقش اصلی را ایفا می‌کند. نویسنده‌ای را در نظر بگیرید، او ابتدا با یک تصویر اصلی آغاز به کار می‌کند. اگر آن تصویر، تصویر تأثیرگذاری باشد، مانند یک آهن‌ریا عمل می‌کند و به تدریج، سایر جزئیات، نظیر بافت متن، شخصیت‌ها و طرح ماجرا را که داستان با آنها نوشته می‌شود را به سوی خود می‌کشد. روش اصلی کار یک نقاش، معمار یا مجسمه‌ساز نیز به همین گونه است: اول یک مفهوم یا تصویر به ذهن او خطور می‌کند؛ بعد روند اصلاح و بهبود آن مدنظرش قرار می‌گیرد؛ و نهایتاً در مرحله‌ای خطیر تصاویر و مفاهیم مدنظر او در تصویر و یا اثرش منعکس می‌شود. به نظر می‌رسد «تصویرسازی اجتماعی» نیز مطابق این الگوی کلی باشد. تصویرسازی فراگردی اجتماعی با سابقه‌ی طولانی است. اگر برخی آثار باستانی را در نظر بگیریم نظیر تخت جمشید، اهرام مصر یا دیوار بزرگ چین، واضح است که این آثار با یک طرح یا تصویر هدایت‌گر و راهنما ساخته شده‌اند. اگر این تصویر قادر نبود تلاش اجتماعی توانمندی را برای شکل‌دهی به یک واقعیت «تصور شده» به‌طور حقیقی و ملموس برانگیزاند، کارگران زیادی که در ساخت این آثار شرکت داشتند، نمی‌توانستند مسئولیتی به عهده بگیرند. در نتیجه وجود تصویر درست، در ساحت بین‌الذهانی اجتماعی، می‌تواند به منزله یک نیروی فرهنگی برای به بار نشاندن پروژه‌های جدید عمل کند. نمودار زیر، نشان‌دهنده آن است که یک تصویر برتر، چگونه فرهنگ‌ها را در یک مسیر مشخص به خود جذب می‌کند. هر چند وقتی که یک تصویر هدایت‌گر و راهنما قدرت خود را از دست بدهد، ممکن است آثار و تغییرات حاصل از آن نیز از بین بروند و سپس بحران فقدان مسیر، باعث به وجود آمدن تصویر هدایت‌گر دیگری شود.



نمودار شماره ۱: رابطه محتمل بین تصاویر برتر و رشد اجتماعی - فرهنگی
(بر اساس اسلاتر، ۱۹۹۱: ۵۰۰)

ممکن است این تصویرها، بصری یا انتزاعی و نمادین باشند. گزاره: «من رؤیایی دارم...» از مارتین لوترکینگ (۱) یا جمله جان کندی: «ما می‌خواهیم به ماه برویم...» را در نظر بگیرید، هر دو جمله کمک می‌کنند که یک تلاش مشترک اجتماعی تعریف کرده و بر آن تمرکز شود، تا اهداف اجتماعی اصلی جمله‌ها، درک شوند. در جمله اول، عدالت اجتماعی برای سیاه‌پوستان ایالات متحده و در جمله دیگر تلاش گسترده تخصصی برای رسیدن به اهداف برجسته علمی و فرهنگی (اعتماد به نفس، رهبری و برتری بر شوروی) مورد نظر بوده است (اسلاتر، ۱۹۹۱: ۵۰۰). قابل تأمل است که تصاویر هم‌چنین بر گفتمان مردم درباره مسائل گوناگون تأثیر می‌گذارند. مباحث متعددی از جمله ظهور دنیای بدون مرز، پایان تاریخ، برخورد تمدن‌ها و قرن چینی، از جمله این تصاویراند (رضاییان قیه‌باشی و کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۷۴). وقتی پیچیدگی جامعه افزایش می‌یابد، بر امکان کشمکش و تعارض میان معیارها و علایق نیز به دلیل تفاوت در تفسیر معنا و واقعیت افزوده می‌شود. این مسأله باعث می‌شود که آسیب‌پذیری جامعه تا حد بحران‌های اتفاقی و ناخواسته افزایش یابد. این مسأله برای جوانان، به مثابه چالشی جدی در تصویرسازی فردی از آینده و ساختن هویتی منسجم و قوی است (رابین، ۲۰۱۳: ۳۹).

بنابراین، تصاویر آینده مقوله‌هایی فرهنگی هستند که می‌توانند کشش آینده را در ساخت واقعیت‌های اجتماعی جاری در زندگی روزمره، وارد کنند.

تصاویر آینده و هویت

مطالعات زیادی در زمینه هویت صورت گرفته است. از رهگذر این مطالعات می‌توان گفت هویت یکی از اجزای اصلی واقعیت ذهنی است که مانند هرگونه واقعیت ذهنی دیگر، در رابطه دیالکتیکی با جامعه قرار دارد. این پدیده می‌تواند در اثر فرایندهای اجتماعی تشکیل شود، پس از متبلور شدن، باقی بماند، تغییر کند، یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی، از نو شکل بگیرد. از نگاه آلمال، هویت شرط لازم زندگی اجتماعی است و ارتباط معنادار و مستمر افراد با یکدیگر و با جامعه، بدون آن امکان‌پذیر نیست. راه‌حل نهایی غلبه بر چالش‌های ناشی از تغییرات هویتی، هویت‌یابی مستمر، بازتعریف و بازسازی هویت جامعه، توسط افراد همان جامعه است (آلمال، ۱۳۹۰: ۱۲۲). اما نگاهی گذرا به مطالعات صورت گرفته در زمینه هویت، نشان می‌دهد که بیشترین تأکید بر مشترکاتی است که ریشه در چیزهایی دارند که از گذشته به ما به ارث رسیده‌اند (نواح و تقوی نسب، ۱۳۸۶؛ مقدس جعفری و همکاران، ۱۳۸۷؛ سحابی و آفایگ‌پوری، ۱۳۸۹؛ توسلی و ادهمی، ۱۳۹۱؛ امیرکافی و حاجیان، ۱۳۹۲؛ حیدری و حیدری‌بنی، ۱۳۹۲؛ زارعی و دیگران، ۱۳۹۴). این مسأله، شاید تا همین اواخر مقبول همگان بود، اما گویی ویژگی‌های جامعه معاصر به گونه‌ای دیگر است.

در جوامع غرق در اطلاعات که در آنها به صورت لحظه‌ای، ذهن‌ها با انبوه اطلاعات حاصل از رسانه‌های گوناگون و متنوع، بمباران می‌شوند، شک در ماهیت داستان‌های به ارث رسیده از پیشینیان، امکان‌پذیر شده است. تعدد مجاری ارتباطی نسل جوان از سیستم آموزشی گرفته تا دنیای مجازی و تعدد روایت‌گرانی که خوب یا بد، درست یا غلط، روایت‌های گوناگونی از مؤلفه‌های هویتی را تولید می‌کنند، باعث می‌شود تا به موازات این‌که روایتی از یک شاخص هویتی مانند قومیت، ملیت، مذهب و غیره تعریف می‌شود، ضدروایتی که گویا به همان اندازه موثق است، نیز پدید آید. این دیالوگ بین داستان‌های هویت‌ساز، از اولین و ضعیف‌ترین رابطه فرد با خود و جهان‌ش، تا پایدارترین این رابطه‌ها را مورد هجوم قرار می‌دهد و این هجوم پیاپی، فرد را سرگشته می‌کند تا جایی که گویا نمی‌تواند به ریسمان هیچ مقوله هویت‌سازی چنگ بزند. برای مثال نوجوانی که در پی هویت ملی خویش است، با پیگیری فرهنگ و زبان

ملی، ریشه‌های آن را در جاهایی دیگر می‌بیند؛ با پیگیری قومیت اختلاط را در برهه‌هایی از زمان می‌یابد و لذا سردرگم و مبهوت، نمی‌تواند خود را به درستی در میان انبوه هویت‌هایی که برایش درست کرده‌اند، جای دهد. لذا در نهایت، دست به ساخت می‌برد و خود هویتی هر چند جعلی، برای خود می‌آفریند. بنابراین دامنه‌ مشترکات فرهنگی و تاریخی هر روز محدودتر شده و در نهایت، هویت‌های جمعی به خرده هویت‌های فردی تبدیل می‌شوند و این مسأله دامنه‌ فردمحوری و منفعت‌طلبی را گسترش می‌دهد. خرده هویت‌ها، آرمان‌شهرهایی که خاستگاه رویاهای باشکوه جمعی هستند را ویران کرده و هر شخص با هویتی خودساخته در پی ساخت آرمان‌شهر خود برمی‌آید (۲). این‌گونه است که در جامعه کنونی ما، موضوع سخن از مباحث نظری در دانشگاه گرفته تا گفت‌وگوهای روزمره مردمان در مورد آینده، بیشتر از آنچه در مورد چیزهایی باشد که می‌خواهیم به دست بیاوریم، در مورد چیزهایی است که قصد اجتناب از آنها را داریم (مانند آلودگی آب و هوا، فقر، بی‌کاری و بی‌آبی). گویی رویاهای باشکوه جمعی مرده‌اند. و ما بیشتر به دنبال سازگاری با آنچه که اتفاق خواهد افتاد هستیم و نه در پی ساخت آنچه دوست داریم اتفاق بیافتد. در واقع به نظر می‌رسد که در جامعه کنونی ساخت یک آینده باشکوه از وظیفه‌ای جمعی، که باید با مشارکت احاد مردم انجام شود، به وظیفه‌ای برای دیگران تبدیل شده است و فرد دغدغه خود را آمادگی برای تحقق بدترین آینده‌های ممکن می‌داند. جامعه به جای حرکت کردن، از ترس تحولات آینده، منفعل شده و توانمندی خود را برای ترسیم آینده به واسطه نوعی بدبینی گسترده نسبت به آن، از دست داده است. به این سبب به نظر می‌رسد که جامعه هیچ چشم‌انداز چالش‌برانگیزی فراتر از برخی مقولات مانند ثروت ندارد.

پولاک (۱۹۷۳) معتقد است که آن اجتماع‌هایی که تجسمی از آینده ندارند، رو به زوال می‌گذارند و آنهایی که تصویر مثبتی از آینده دارند، متعالی، ماندگار و پیشرفته می‌شوند. از منظر بولدینگ نیز با توجه به قدرت عاملیت بشری، آینده را نمی‌توان پیش‌بینی کرد. یعنی تصاویر آینده قابل پیش‌بینی نیستند، ولی ساخته می‌شوند. بر طبق نظر ویلیام ایروین تامپسون، تاریخ‌نویس فرهنگی، تصویر ذهنی جامعه در یک سطح اسطوره‌ای ناخوابگاه پدیدار می‌شود. اساطیر را نه می‌توان طبقه‌بندی کرد و نه از لحاظ منطقی ایجاد کرد. آنها همیشه بیش از آنچه ما می‌دانیم، در حال تغییر مداوم‌اند. در همین راستا تأکید می‌شود که اگر چه آینده را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، می‌توان ادعا کرد که تاریخ، صعود و نزولی را دنبال می‌کند که با تصویر آینده مرتبط است. هم‌چنین

می‌توان پرسید: چرا برخی جوامع، تصویر آینده‌ای تأثیرگذار را ایجاد می‌کنند و برخی دیگر چنین نمی‌کنند؟ پاسخ به این پرسش‌ها ممکن است منجر به شکل‌گیری نظریه تاریخی بسیار پیچیده‌تری شود. دیدگاه بولدینگ به آینده به طرح نظریه سیاسی او انجامید که براساس آن، جوامع تلاش می‌کنند تا تصویرسازی کنند و به آینده دلخواه خود متعهد باشند. برای ایجاد این ایمان (باوری عینی به امکان‌های آینده) بولدینگ از تاریخ‌های آینده‌ای دفاع می‌کند که در آنها، افراد پس از تصور دیدگاه‌های خود، راهبردهایی برای چگونه به واقعیت پیوستن این دیدگاه‌ها، ایجاد می‌کنند. به این ترتیب از این خطوط تاریخی، امیدهایی برای تغییر آینده به دست می‌آید (عنایت‌الله، ۱۹۹۸: ۳۹۱). به باور بولدینگ، این تصاویر با ایجاد باور عینی درباره امکان‌های آینده، می‌توانند تاریخ آینده را بسازند؛ تاریخی که برخلاف تاریخ به معنای سرگذشت گذشته‌گان، می‌تواند به دست نسل امروز ساخته شود و این ویژگی، اگر چه به تمامی خالی از میراث گذشته‌گان نیست، اما می‌تواند منجر به تلاش جمعی شود. مشارکت جامعه و بخصوص جوانان در ساخت تاریخ آینده، علاوه بر این‌که این تاریخ را باورپذیرتر می‌کند، برانگیختگی تلاش جمعی در دستیابی به آن را نیز به دنبال دارد. از این روی این هویت مشارکتی منبث از آینده، عبور از مراحل دشوار تاریخی و بحران‌های هویتی را آسان‌تر می‌سازد؛ هویتی که ریشه در تصاویر عمومی (جمعی) از آینده دارد که در این نوشتار، «هویت مقصد» نام گرفته است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاصل مصاحبه و مشاوره با خبرگان آشنا با مفهوم هویت و آینده پژوهی است. خبرگان از میان کسانی انتخاب شده‌اند که با مفهوم تأثیر رویدادهای تاریخی و حال بر شکل‌دهی آینده آشنا بوده، سابقه تدریس در دوره دکتری آینده‌پژوهی داشته و نیز تصویری واضح از تأثیر ذهنیت فاعلی اقشار متنوع و متکثر در شکل‌دهی به آینده نامعین داشته‌اند. نمونه‌گیری و انتخاب خبرگان با روش گلوله برفی از یکی از خبرگان (پژوهشگران حاضر) آغاز شد و تا مرحله اشباع اطلاعات ادامه یافت.

پس از انجام هفت مصاحبه و رسیدن به اشباع نظری، اصیل‌ترین یافته‌های پژوهش در قالب مقولات عمده زیر دسته‌بندی شده‌اند:

- یک) هویت در گذشته؛ هویت موروثی؛
- سه) هویت در آینده؛ هویت مقصد.
- دو) هویت در زمان حال؛ هویت نقش‌ها؛

به منظور درک بهتر مقوله‌های شناسایی شده، در ادامه، به بررسی مقایسه‌ای پرداخته شده و هویت و شاخصه‌های هویت‌ساز در سه بازه زمانی گذشته، حال و آینده با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

۱- هویت در گذشته؛ هویت موروثی

به نظر می‌رسد که ادبیات نظری موجود درباره مفهوم هویت، بیشتر بر نوعی هویت موروثی شکل گرفته در گذشته متمرکز است. برای مثال، اگر هویت ملی را به مثابه اثرگذارترین سطح هویتی برای هر فرد بشری فرض کنیم، هویتی که به لحاظ سلسله مراتبی برتر از سایر سطوح هویتی قرار دارد (حاجیانی، ۱۳۷۹، به نقل از رهبری و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۸)، مواردی چون قلمرو مشترک، قدمت تاریخی، فرهنگ عمومی، خاطره‌ها، افسانه‌ها و سنت‌های مشترک، عناصر سازنده این نوع از هویت‌اند. به این لحاظ این نوع از هویت در سطح خودآگاه و ناخودآگاه جمعی انسان، به ارث گذاشته شده و از بدو تولد با او خواهد بود. بنابراین، یک کودک به دنیا آمده در شهر هزارستان در افغانستان، یک افغان به دنیا خواهد آمد که احتمالاً متعلق به قوم هزاره بوده و مذهب تشیع خواهد داشت. او در این باره تصمیم گیرنده نیست. این شاخصه‌های هویتی، تعلق و عدم تعلق او به گروه‌های انسانی دیگر را مشخص می‌کند. بدیهی است که گاه این تعلقات به نفع او و گاه شاید به ضرر او باشند؛ به هر حال او در این هویت‌گزینی، مشارکتی نداشته است.

۲- هویت در زمان حال؛ هویت نقش‌ها

یکی از ویژگی‌های هر فرهنگی آن است که مادامی که اعضای آن از یک مرحله به مرحله‌ی دیگر می‌روند، آنها را با نقش‌هایی که در انتظار آنهاست روبرو می‌کند. ممکن است این نقش‌ها با جنسیت، سن یا هویت شغلی همراه باشند. ممکن است نقش به مهارت فرد، آموزش‌ها و اولویت‌های شخصی، مانند یک دندان‌پزشک، بازیکن فوتبال یا فردی مذهبی، مربوط شود یا ممکن است مانند نقش فرزند، مادر یا پدر، و همسر کسی بودن، با روابط خانوادگی وی مرتبط شود. هم‌چنین ممکن است این نقش شامل عناصری باشد که در ویژگی‌های روابط اجتماعی فرد، مانند دانش‌آموز، کارگر، شهروند، دوست قرار می‌گیرند. نقشی که از همان ابتدای کودکی اختیار می‌شود و در تمام عمر تحمل می‌شود، نقش جنسی است. مراحل تغییر سن نیز آموزش‌های معینی دارد که به عنوان نقش‌های مرتبط با سن تلقی می‌شود، مانند نحوه لباس پوشیدن یک خانم مسن،

این که یک جوان باید از چه واژگان و عبارات‌هایی استفاده کند، چگونگی رفتار یک فرد میانسال و جایی که اوقات فراغت خود را در آن می‌گذراند. بنابراین، هویت در هر برهه از زمان، از ایفای نقش‌های گوناگون شکل می‌گیرد؛ به لحاظ زمانی می‌توان این هویت را هویت نقش‌ها دانست. البته هویت نقش‌ها، بیشتر جنبه‌های فردی دارند تا جمعی.

۳- هویت در آینده؛ هویت مقصد

چه چیزی از یک آینده اتفاق نیفتاده ممکن است بین افراد یک جامعه مشترک باشد؟ اگر بتوانیم پاسخی منطقی برای این سؤال بیابیم، به اعتبار «مشترک» بودن، می‌توان از آن به منزله مؤلفه‌ای هویت‌ساز در سطح جمعی نام برد. تصاویر آینده، آن وجوهی از آینده را بازنمایی می‌کنند که می‌توانند به صورت مشترک تعریف شوند. این تصاویر می‌توانند با یکدیگر بر سر «تصاحب آینده» رقابت کنند و تا حد زیادی، بین باورمندان به خود (تصاویر مذکور) انسجام و چسبندگی ایجاد کنند. برای مثال، در سطح سازمانی، تصاویر آینده از سازمان که معمولاً از طرف مدیران تعیین می‌شوند و به کارکنان در کل سازمان القا می‌شوند، در صورت پذیرش می‌توانند به عنوان نیروی پیش‌ران سازمان عمل کنند. این تصاویر باعث می‌شوند تا همه کارکنان از قومیت‌ها، ملیت‌ها، مذاهب و نژادهای گوناگون به منظور رسیدن به یک هدف مشترک که تصویری از آن برای آنها ساخته شده است، حرکت کنند. این مسأله در سطح ملی، در تصاویر آرمان شهری متجلی می‌شود.

رؤیای فردی، چیزی جز خیال نیست، اما آن هنگام که رؤیا جمعی می‌شود، دیگر به واقعیت بدل خواهد شد (گودن، ۱۳۹۲: ۹۹). اتوپیا یا آرمان شهر که در واقع نوعی واکنش به وضع موجود است، بر مبنای فلسفه «زمانی بهتر از زمان کنونی» استوار است که بر تصور آینده‌های دلخواه متمرکز است. بر این مبنا می‌توان تعریفی از هویت ارائه کرد که بر مبنای تصاویر مشترک جمعی از آینده شکل می‌گیرد. این پژوهش، این هویت را هویت مقصد می‌نامد، هویتی که وجه مشترک افراد واجد آن، یک تصویر مشترک از آینده است. بنابر نظر خبرگان هویت مقصد به دو دلیل می‌تواند در فرایند مدیریت جامعه، ملت‌سازی و رهبری جامعه بهتر از گونه‌های دیگر هویت عمل کند. اول به دلیل سازگاری بیشتر با تغییرات سریع در جوامع امروزی و دوم به خاطر امکان مشارکت دادن جامعه و به خصوص جوانان در ساخت آن. در جدول شماره یک به طور خلاصه مقایسه‌ای میان هویت در بازه‌های زمانی سه‌گانه ارائه شده است.

جدول شماره ۱: بررسی مقایسه‌ای هویت در سه بازه زمانی (منبع: یافته‌های پژوهش)

بازه زمانی			نمونه‌هایی از مشخصه‌های هویت‌ساز
گذشته	حال	آینده	
هویت موروثی	هویت نقش‌ها	هویت مقصد	
تاریخ مشترک، ملیت، قومیت، نژاد، مذهب و...	خانواده، هم کلاسی‌ها، شغل، جنسیت	اهداف مشترک، تصاویر مشترک، آرمان‌های مشترک	ویژگی‌های کلیدی پژوهش
الف) این هویت به افراد تحمیل می‌شود، نمی‌توان آن را تغییر داد. باید آن را پذیرفت، نقاط ضعف آن را پوشاند و بر نقاط قوتش تأکید کرد. ب) فرد نمی‌تواند در ساخت چنین هویتی برای خودش، اثر گذار باشد. ما به‌عنوان افراد جامعه انسانی، این هویت را به ارث می‌بریم.	الف) تا حدی می‌توان در ساخت آن مشارکت داشت. ب) این هویت بیشتر از آن‌که مشخصه‌های جمعی داشته باشد، فردی است. ج) هویت نقش‌ها، متأثر از گذشته و آینده است. اما دامنه تأثیر خودش محدود به بعد فردی است؛ برای مثال، یک زن در یک جامعه مردسالار، هویت نقش زنانه‌اش متأثر از هویت مردسالارانه جامعه است و در این قالب، در تصاویر فردی‌اش از آینده معمولاً خود را با هویت یک سیاست‌مدار تصور نمی‌کند.	الف) هویت مقصد، هم در سطح خودآگاه و هم در سطح ناخودآگاه عمل می‌کند. ب) ایمن هویت، انعطاف‌پذیری بالایی دارد و می‌تواند بر مبنای روندهای پیش‌روی یک جامعه، بازتعریف شود. ج) افراد در یک جامعه باز، می‌توانند در ساخت این هویت مشارکت فعال داشته باشند. د) آرمان‌های مشترک جامعه می‌توانند قدرت تحمل جامعه و توان همزیستی مسالمت‌آمیز را بالا ببرند.	

نتیجه‌گیری

آینده‌پژوه، همچون جغرافی‌دانی که فضای فیزیکی را ترسیم می‌کند یا جامعه‌شناسی که فضای اجتماعی را ساختاربندی می‌کند، متخصصی در فهم زمان است که گویا نقشه‌های زمانی را خلق می‌کند. می‌توان در ادله از این نقشه‌ها برای درک بهتر «چه کسی هستم» یا بهتر از آن گفته شود «چه موقع هستم» استفاده کرد. هم‌چنین می‌توان از

آنها برای اخذ تصمیم‌های بهتر یا خلق نقشه‌های جدید استفاده کرد (عنایت‌الله، ۱۹۹۳: ۲۳۵). یکی از ارکان اصلی این نقشه‌ها، تصاویر آینده‌اند. ما انسان‌ها در زندگی خود، به طور متوالی و مستمر تصاویری را از آینده می‌سازیم و به مرور آن را پیشرفت و رشد می‌دهیم. برخی از این تصاویر، شخصی‌اند و برخی دیگر، وجوه مشترک و جمعی دارند. اگرچه برای ما ممکن نیست که با اطمینان چیزی از آینده بدانیم، اما فکر کردن در مورد آینده، چیزی است که انسان به خاطر مدیریت کل زندگی و سازگاری منافع خویش با آن، می‌خواهد انجام دهد.

توانایی تصور آینده‌های متفاوت و گوناگون، یکی از مشخصه‌های ویژه انسان است. وقتی که جامعه بتواند آینده را به‌طور مناسبی در راستای اهداف مشترک خود مهار کند، راه‌های بسیاری برای خروج از مخمصه‌ها و بحران‌های اجتماعی مانند بحران هویت فراهم می‌شود.

در بعد اجتماعی، تصاویر آینده نقش مهمی در فهم تغییرهای اجتماعی داشته و قرابت تنگاتنگی با مقوله فرهنگ دارند. تصاویر به غلبه بر موانع فرهنگی در مسیر تغییرهای اجتماعی کمک می‌کنند. اکثر جوامع، تجربه رویارویی با موانع فرهنگی در راه تغییرهای اجتماعی را دارند و این مسأله، ناشی از این مهم است که مردم تغییر را نوعی تهدید بر ضد عادات، راه و رسم جاری زندگی، اعتقادات و تعصبات اجتماعی خود می‌دانند. تغییر اجتماعی، به مثابه تغییر در اولویت‌های زندگی، هویت، روابط اجتماعی، الگوی مصرف، آموزش، بازنشستگی و غیره، ساحت‌های گوناگون حیات جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین، مردم جامعه همواره در جاتی از بی‌میلی و حتی مخالفت با تغییر را نشان می‌دهند. در این شرایط است که تصاویر آینده می‌توانند آحاد مردم را به پذیرش راحت‌تر این شرایط ترغیب کرده، موانع فرهنگی را از پیش‌رو بردارند. فرضیه‌های اضافی را می‌توان منسوخ کرد؛ ارزش‌ها را می‌توان بازبینی کرد؛ و سیستم‌های تجزیه‌گرا را در راستای تصاویر مشترک جمعی یکپارچه کرد. آینده بی‌انتها است با این حال و برخلاف گذشته، می‌توان در ساخت آن مشارکت فعال داشت. در واقع، توانایی ما در خلق آینده‌های بدیل بنیاد خوش‌بینی و قدرت تغییر می‌شود. نمی‌توان منکر تاریخ مشترک، دین مشترک، نژاد مشترک و نظیر آنها در ساخت هویت جمعی شد. اما این نوشتار با تأکید بر چند مسأله قابل تأمل به دنبال نشان دادن جایگاه آینده و تصاویر مشترک آینده در ساخت هویت جمعی است. اولین نکته این‌که هویت منبعث از تصاویر آینده، برخلاف هویت‌های منتج از مشترکات تاریخی، انعطاف‌پذیر

بوده و به افراد اجازة می‌دهد در ساخت آن مشارکت داشته باشند. هم‌زیستی مسالمت‌آمیز نژادها و ملیت‌های گوناگون در برخی از کشورهای تازه تأسیس شده شاهد جالبی بر این مدعا است. در این جوامع، آنچه مشخصه هویت جمعی است، در قالب اهداف مشترک و آینده‌های بدیل خلق شده انعکاس می‌یابد. چه تصاویر آینده در یک فراگرد حاصل از خرد جمعی ایجاد شده باشند و چه نخبگان جامعه با سازوکارهایی مانند رسانه آنها را به جامعه القا کرده باشند. اینجا با دوام‌ترین زمینه‌ها برای بازیابی هویت خویش و امید یافت می‌شوند. پایه و اساس خوش‌بینی، توهم نیست. این مسأله در ظهور توافقی ژرف بر سر تغییر و سازش‌های اساسی، در ظرفیت‌های خلاق روندهای تصویرپردازی از آینده و در غنای منابع فرهنگی که قبلاً به ندرت به میدان آورده می‌شدند، قرار دارد. نتیجه این است که به‌رغم همه مشکلات بزرگ و بحران‌های پیش روی ما، آینده واقعاً ارزش زندگی کردن را دارد. گذار به جامعه‌ای که ضمن حفظ تکثرها و افتراقات، بتواند از انسجام لازم برای پیشرفت برخوردار باشد، در سایه قبول همه‌گیر این تصاویر جمعی از آینده، ممکن و مطلوب می‌شود. ما به‌عنوان افراد، انتخاب‌های خود را براساس داستان‌هایی که به خود درباره این‌که چه کسی هستیم، چه اتفاقی می‌افتد، و بعد از این به کجا می‌رویم، می‌گوییم، انجام می‌دهیم. کسانی که می‌فهمند این داستان‌ها چگونه ساخته می‌شوند و چگونه می‌توان به آنها شکل داد، احتمالاً بیش از بقیه قادر خواهند بود، کلیدهای قدرت را در قرن آینده در دست داشته باشند (پورعزت و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۹۰).

شناسایی ابعاد هویت‌ساز تصاویر آینده، ساخت و القای تصاویر مشترک جمعی بر مبنای ارزش‌ها و انتظارات مشترک و تمرکز بر بازتعریف هویت ایرانی - اسلامی بر مبنای تصاویر مشترک از آینده راهکارهایی هستند که هویت مقصد در اختیار ما قرار می‌دهد. این پژوهش مطلع بحثی نظری و پایه در زمینه هویت‌سازی اجتماعی بر مبنای تصاویر مشترک احاد جامعه از آینده بود. به این سبب به منظور تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود بر مبنای روش‌های میدانی به بررسی پارامترهای تأثیرگذار بر تصاویر مشترک جمعی و استخراج مؤلفه‌های هویتی آن پرداخته شود. هم‌چنین می‌توان نقش نهادهای مختلف مانند نهاد آموزش و پرورش و رسانه‌ها در هویت‌سازی بر مبنای تصاویر آینده را بررسی کرد.

یادداشت‌ها

- ۱- رویایی دارم (I Have a Dream)، نام یک سخنرانی ۱۷ دقیقه‌ای از مارتین لوتر کینگ است که در سال ۱۹۶۳ در گردهمایی بزرگ طرفداران تساوی حقوق سیاه‌پوستان و سفیدپوستان، در برابر بنای یادبود لینکلن در واشنگتن ایراد شد. لوتر کینگ در این سخنرانی که در آن عبارت «رویایی دارم» تکرار می‌شد، درباره آرزوی خود سخن گفت و ابراز امیدواری کرد که زمانی در آمریکا، طبق مرام و آرمان خویش، زندگی کند و تحقق مساوات و برابری ذاتی انسان‌ها را به چشم ببیند.
- ۲- برای مطالعه بیشتر بنگرید به مقدمه مترجم در کتاب «آیا باید از اتوبیا اعاده حیثیت کرد؟» نوشته کریستیان گودن، ترجمه سوسن شریعی.

منابع

- آلمال، فرنگیس (۱۳۹۰)؛ «سیمای هویت اجتماعی جوانان ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۲، ش ۳، صص ۱۴۸-۱۲۱.
- امیرکافی، مهدی؛ حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۲)؛ «نسبت هویت قومی و ملی در جامعه چند قومیتی ایران: بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری»، *راهبرد*، ش ۶۶، صص ۱۴۶-۱۱۷.
- بزرگر، ابراهیم (۱۳۷۹)؛ *صراط ضابطه هویت در اندیشه‌ورزی امام خمینی (ره)*، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۵، صص ۱۵۷-۱۳۵.
- ----- (۱۳۹۰)؛ *استعاره صراط در اندیشه سیاسی سیدقطب*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ----- (۱۳۹۰)؛ *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره): سیاست به مثابه صراط*، تهران: سمت.
- برگر، پیتر؛ لوکمان، توماس (۱۳۸۳)؛ «ساختار اجتماعی واقعیت»، *نشریه رهیافت*، ش ۳۱، صص ۴۱۱-۴۲۲.
- ----- (۱۳۸۷)؛ *ساخت اجتماعی واقعیت (رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت)*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- بل، وندل (۱۳۹۲)؛ *مبانی آینده‌پژوهی*، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- توسلی، غلامعباس و ادهمی، جمال (۱۳۹۱)؛ «حافظه تاریخی، هویت قومی و جهانی‌شدن: پژوهش بین نسلی در شهر سنندج»، *مسائل اجتماعی ایران*، س ۳، ش ۶، صفحات ۳۸-۷.
- حیدری، غلامحسین و حیدری‌زنی، زهره (۱۳۹۲)؛ «بررسی چالش‌های قدرت ملی در ایران یا تأکید بر بحران هویت ملی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، س ۱۰، ش ۱، صص ۸۲-۶۰.
- رضاییان‌قیه‌باشی، احد؛ کاظمی، معصومه (۱۳۹۳)؛ «تصویرپردازی و کلان تصاویر آینده سیاست جهانی؛ تصویرپردازی روشی مناسب برای شناخت آینده در جهان پیچیده»، *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره ۶، ش ۳، صص ۲۰۰-۱۷۳.
- رهبری، مهدی؛ بلباسی، میثم؛ قربی، محمدجواد (۱۳۹۴)؛ «هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۶، ش ۱، صص ۶۶-۴۵.

- زارعی، عیسی؛ آذربخش، علی محمد؛ خدادادشهری، نیره (۱۳۹۴)؛ «تحلیل استنادی و محتوایی مقالات فصلنامه مطالعات ملی (شماره‌های ۵۸-۱۶)»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۶، ش ۱، صص ۱۶۵-۱۵۱.
- سبحایی، جلیل؛ آقابیک‌پوری، هاشم (۱۳۸۹)؛ «بررسی تأثیر بعد فرهنگی جهانی شدن بر هویت قومی (مطالعه موردی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان بوکان)»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۴۱، صص ۱۵۴-۱۳۵.
- گودن، کریستیان (۱۳۹۲)؛ «آیا باید از توپیا اعاده حیثیت کرد؟»، ترجمه سوسن شریعتی، تهران: قصیده‌سرا.
- مقدس جعفری، محمدحسن؛ شیخاوندی، داور؛ شریف‌پور، حامد (۱۳۸۷)؛ «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کُرد مطالعه موردی دانشگاه پیام‌نور سقز»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۳، صص ۱۲۶-۹۷.
- نواح، عبدالرضا؛ تقوی‌نسب، سیدمجتبی (۱۳۸۶)؛ «تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی مطالعه موردی: اعراب استان خوزستان»، *جامعه‌شناسی ایران*، ش ۳۰، صص ۱۶۳-۱۴۲.
- Dator, Jim (2002); Introduction: The Future Lies Behind—Thirty years of teaching futures studies, in: J. Dator (Ed.), *Advancing Futures*, Praeger, Westport CT, PP 1–30.
- Inayatullah, Sohail (1993); "From 'who am I' to 'when am I?': Framing the shape and time of the future", *Futures*, Vol 25, issue. 3, PP 235-253.
- Inayatullah, Sohail (1998); "Macrohistory and Futures Studies", *Futures: the journal of policy, planning and futures studies*, Vol. 30, No.5, PP 381–394.
- Polak, Fred (1973); *The image of the future*, Amsterdam Elsevier.
- Pourezzat, Ali Asghar; Mollae, Abdolazim; Firouzabadi, Morteza (2008); "Building the future: Undertaking proactive strategy for national outlook", *Futures: the journal of policy, planning and futures studies*, Vol. 40, PP. 887-893.
- Rubin, Anita (2013); hidden, inconsistent, and influential: images of the future in changing times, *Futures: the journal of policy, planning and futures studies*, 45, PP 38–44.
- Slaughter, Richard, (1991); "changing images of futures in the 20th century", *Futures: the journal of policy, planning and futures studies*, Vol. 23, issue 5, PP 499-515.
- Son, hyeonju, (2013); "images of the future in South Korea", *Futures: the journal of policy, planning and futures studies*, Vol. 52, PP 1-11.